

## تحلیل چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی

علی محسنی فر<sup>۱</sup>، مرتضی دوستی<sup>۲</sup>، جف دیکسون<sup>۳</sup>

۱۴

دوره ۷، شماره ۷، پیاپی ۱۴  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۰

صص: ۱۷۸-۱۴۳

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



CC BY-NC-SA

### چکیده

در دنیای امروز ورزش تعامل زیادی با سیاست‌های داخلی و بین‌المللی پیدا کرده است؛ از این رو هدف از پژوهش حاضر تحلیل چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی می‌باشد. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی و آمیخته است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند و در دسترس بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارشناسان علوم ورزشی، کارشناسان و اساتید علوم سیاسی، اساتید جامعه‌شناسی، مربیان، داوران، ورزشکاران در سطح کشور بوده است؛ در مرحله اول پژوهش با استفاده مصاحبه با ۲۵ نفر از جامعه آماری این چالش‌ها شناسایی شد. در مرحله دوم و سوم، چالش‌های شناسایی شده در بخش مصاحبه، توسط گروه دلفی (۲۵ نفر) بررسی شد؛ در این دو مرحله چالش‌هایی که حداقل ۷۰ درصد دارای پاسخ مثبت بودند برای مرحله بعد باقی ماندند. در مرحله نهایی رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده در سه مرحله قبل با استفاده از پرسشنامه پنج گزینه‌ای لیکرت انجام شد. پس از جمع‌آوری با استفاده از تکنیک تاپسیس (TAPISIS) موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که قیام و تحولات در کشورهای بحرین، یمن و سوریه، مصر، تونس و دیگر کشورهای اسلامی، حمایت ایران از بهار عربی یا بیداری اسلامی در کشورهای عربی و ترس عربستان از صدور انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان دیگر از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی می‌باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش به مسئولان پیشنهاد می‌شود که با دیپلماسی ورزشی ظرفیت‌های لازم و بنیادی برای انتقال مفاهیم انقلاب اسلامی در روابط فرهنگی ورزشی کشورهای مسلمان داشته باشند تا در نهایت شاهد نزدیکی و اخوت کشورهای مسلمان باشیم.

**کلیدواژه‌ها:** چالش، سیاست، روابط بین‌الملل، ورزش زنان، کشورهای مسلمان.

DOI: 10.22080/jpir.2024.23881.1296

۱. دانشجوی مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

dosti@umz.ac.ir

۳. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اوکلند، نیوزیلند، استرالیا

## ۱. مقدمه

روابط بین‌الملل معاصر، ورزش را یکی از حوزه‌های موضوعی بسیار رایج و گسترده تعریف می‌کند، از اواخر قرن نوزدهم میلادی، دو روند هم‌زمان افزایش روزافزون تعاملات بین‌المللی و بین‌المللی شدن ورزش در جریان بوده‌اند؛ به‌رغم توجه امروز به دانش سیاست و به تبع آن، زیر حوزه دانش روابط بین‌الملل به بسیاری از حوزه‌هایی که بیشتر در این دو دانش چندان واقعی بدان‌ها نهاده نمی‌شد؛ حوزه ورزش سیاسی همچنان در حاشیه این دو دانش به سر می‌برد و عنایتی جدی به آن معطوف نشده است؛ در عصر کنونی وجوه سیاسی و فرهنگی ورزش به‌صورت گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده‌اند و ورزش بین‌المللی جزئی جدایی‌ناپذیر از پویای روابط میان ملت‌ها می‌باشد، این تحول در ماهیت ورزش و توسعه دامنه جغرافیایی آن بخشی از تحولاتی است که طی قرن گذشته در حوزه روابط بین‌الملل اتفاق افتاده است. جهانی شدن اهمیت یافتن سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سیاست‌گذاری‌ها، تأثیر زیاد جنبش‌های فراملی بر حاکمیت و تغییر روابط میان هویت و مکان، بخشی دیگر از این تحولات در محیط بین‌الملل هستند (خبیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۷). ورزش دز مقام زبان مشترک، گفتگو میان افراد و ملت‌ها را تسهیل می‌کند و حتی گاهی تفاوت‌های سنتی و فرهنگی میان آنان را کمرنگ می‌سازد؛ با توجه به محیط به‌شدت رقابتی که اغلب در میادین ورزشی با آن مواجه هستند، این امر دستاوردی بزرگ است، تبادل ایده‌ها در درون نهادهای جهانی در خلال رخدادهای عمده‌ی ورزشی نظیر المپیک و جام جهانی فوتبال، فهم متقابل میان افراد و ملت‌ها را افزایش می‌دهد (آدیر و همکاران، ۲۰۱۰، ۲۵۳).

در اکثر جوامع فعالیت ورزشی به‌صورت سنتی مختص مردان تعریف شده و امکانات ورزشی به آن‌ها اختصاص می‌یابد، ورزش اساساً یک فعالیت مبتنی بر جنسیت است، فعالیتی که نه تنها برای مردان و پسران روی خوش‌نشان می‌دهد، بلکه ارزش‌ها و مهارت‌هایی را که به‌روشنی مردانه تعریف می‌شوند ترویج می‌نمایند (نقدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). زنان مسلمان نسبت به مردان کمتر ورزش می‌کنند (بن و همکاران، ۲۰۱۰، ۵۵۶). یکی از اصلی‌ترین این موارد این

1Adair, et al

2Benn, et al

باشد که مسلمانان هنگام خارج شدن از خانه و هنگام ورزش باید تمام یا بیشتر بدن خود را بپوشانند (داگاس و همکاران، ۲۰۱۱، ۲۲۴). از آنجا که حجاب برای همه مسلمانان اساسی و با ارزش است، زنان مسلمان از انجام ورزش مضطرب هستند، زنان مسلمان طبق آموزه‌های دینی اعتقاد دارند که مو باید در هر مکان عمومی پوشانده شود، از آنجا که هنگام ورزش کردن این کار دشوار می‌باشد باعث می‌شود که بسیاری از زنان مسلمان نتوانند ورزش کنند (جواد و همکاران، ۲۰۱۱، ۲۷).

موضوع دیپلماسی ورزش بین حکومت‌ها، شاید یکی از سابقه‌دارترین مباحث مطرح دیپلماسی کشورها باشد و مؤید این گفتار، صدای توپ پینگ‌پنگ دهه ۱۹۷۰ بین کشورهای چین و آمریکا بود که ایجاد روابط حسنه بین دو کشور را نوید داد که از آن به‌عنوان دیپلماسی پینگ‌پنگ در تاریخ یاد می‌شود؛ همچنین در سال ۱۹۵۰ زمانی که روس‌ها درصدد جلب نظر دولت ایران بودند از سوی میلتن آیزنهاور رئیس دانشگاه دولتی پنسیلوانیای آمریکا، دعوت‌نامه‌ای به دست فدراسیون فوتبال ایران رسید که طی آن از ایران خواسته شد که تیم برتر دانشگاه‌اش را برای یک بازی دوستانه به ایران اعزام کند، در آن روزها تیم آمریکایی با دسته‌گل مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت به‌ر تقدیر تا آنجایی که تاریخ به خاطر سپرده است، در صحنه‌های بین‌المللی ورزشی، دستگاه‌های متولی ورزش به‌شدت تحت تأثیر سیاست‌های سیاست‌مداران قرار گرفته‌اند و چه بسیار از رقابت‌های ورزشی به صحنه رویارویی سیاست دولت‌ها کشانده شده است. مسابقات ورزشی در چارچوب منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی، بازی‌های المپیک و دیگر مسابقات بین‌المللی نشان می‌دهد که ورزش پدیده فراگیر شده و به‌صورت منافع مشترک در سراسر جهان درآمده‌است، همکاری و رقابت‌های ورزشی فرصت تعامل با فرهنگ‌های دیگر ملل را تسهیل می‌کند، ورزش یک ابزار صلح‌آمیز برای توسعه روابط بین‌المللی است که کشورها می‌توانند با استفاده از آن به تقویت روابط خود با کشورهای هدف اقدام کنند. از لحاظ تاریخی از ورزش و جذابیت آن به‌عنوان یک روش برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی استفاده می‌شود (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

1Dagkas, et al

2Jawad, et al

یکی از عرصه‌های بروز قابلیت‌های ورزشی، میادین بین‌المللی است که به دلیل مغایرت الگوهای رایج با مذهب و اعتقادات زنان مسلمان جهان، حضور این دسته از زنان مسلمان در مسابقات بین‌المللی و بعضاً ملی بسیار کم‌رنگ بوده است، لذا با ابتکار و پیشنهاد نایب رئیس وقت کمیته ملی المپیک ج. ا. ایران در سال ۱۳۶۹ و نیز با موافقت ریاست کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، ریاست شورای المپیک آسیا (OCA) و حمایت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران، تشکیل شورای همبستگی ورزش بانوان (فدراسیون اسلامی ورزش زنان) باهدف رفع این خلأ در دومین جلسه هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک در سال ۱۳۶۹ مطرح و به تصویب رسید. فدراسیون اسلامی ورزش زنان در چهارچوب منشور المپیک باهدف برگزاری مسابقات ورزشی با حفظ و حراست از اصول و موازین اسلامی، تقویت همبستگی در میان بانوان مسلمان و تعالی هویت اسلامی زنان در میادین ورزشی، تحکیم مبانی، عدم تبعیض نژادی و طبقاتی بر طبق موازین اسلامی، ارتقاء فرهنگ ورزشی و گسترش و تقویت کادر ورزشی و تشکیل دوره‌های آموزشی در رشته‌های مختلف را در برنامه کاری خود قرار داده است. این فدراسیون تاکنون چهار دوره مسابقات بین‌المللی زنان مسلمان را در ایران میزبانی کرده است. اولین دوره مسابقات بین‌المللی زنان مسلمان که هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شد، با حضور ۱۰ کشور و ۴۰۷ ورزشکار در هفت رشته بدمیتون، شنا، والیبال، تیراندازی، هندبال، جودو و دوومیدانی در سال ۱۹۹۳ برگزار شد و ایران به‌عنوان نایب‌قهرمانی این دوره از رقابت‌ها دست‌یافت؛ اما در دومین دوره که در سال ۱۹۹۷ برگزار شد، شمار کشورهای شرکت‌کننده به ۲۴ کشور و ۷۴۸ ورزشکار رسید و ایران با یک پله صعود بر سکوی قهرمانی ایستاد (خبرگزاری جمهوری اسلامی - ایرنا). سومین دوره این رقابت‌ها در سال ۲۰۰۱ و با حضور نمایندگان ۲۳ کشور، ۷۹۸ ورزشکار در ۱۵ رشته برگزار شد و برای دومین بار ایران قهرمان شد؛ اما سرانجام چهارمین و آخرین دوره آن در ۲۰۰۵ برگزار شد که نمایندگان ۴۴ کشور و در مجموع با ۱۳۱۶ ورزشکار در ۱۸ رشته برابر حریفان خود حضور یافتند و ایران برای سومین بار و به شکل متوالی عنوان قهرمانی را از آن خود کرد. در سال ۲۰۰۵ نام این بازی‌ها به بازی‌های اسلامی زنان تغییر کرد که علاوه بر زنان مسلمان کشورهای اسلامی و کشورهای غیر اسلامی زنان غیرمسلمان هم می‌توانستند در آن شرکت کنند. هدف از این تغییر نام افزایش کمیت و کیفیت این بازی‌ها بود. درست است که نام

این بازی‌ها بازی‌های اسلامی زنان است اما زنان کشورهای غیر اسلامی و زنان غیرمسلمان هم می‌توانند در این مسابقات شرکت کنند. البته همان‌طور که از نام این بازی‌ها پیداست این بازی‌ها بیشتر مخصوص مسلمانان است. پنجمین دوره این مسابقات قرار بود در سال ۲۰۱۰ در ایران برگزار شود که به دلایل سیاسی در بین کشورهای مسلمان از جمله عربستان سعودی و ایران این مسابقات لغو شد و دیگر در هیچ سالی برگزار نشده است.

## ۲. مبانی نظری

**ورزش و سیاست:** در عرصه‌های رسمی و قانونی، ورزش و سیاست به عنوان دو مقوله مجزا از یکدیگر معرفی می‌شوند. این ادعا در عرصه‌های عملی امکان‌پذیر نبوده و به وضوح پیوستگی این دو به یکدیگر را می‌توان مشاهده کرد. ورزش هر آن قدر که ادعای استقلال نماید، وابسته به مسائل پیرامونی جامعه شناختی و سیاسی بوده و توسعه یا عدم توسعه آن نیز تابعی از تصمیمات سیاسی پیرامون سنجش منفعت و یا ضرر این پدیده اجتماعی است. رابطه ورزش و سیاست رابطه دو طرفه است و از سویی تبعات و نتایج سیاسی ورزش برای دولت‌ها و ملت‌ها با اهمیت و بعضی اوقات حیاتی تلقی می‌شود و از سویی دیگر نیز تأثیر تصمیمات سیاسی بر ورزش امری مهم بوده که در تداوم و اهمیت روز افزون این امر اجتماعی نقش مؤثری را ایفا می‌کند (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

**نقش ورزش در افزایش مشارکت سیاسی:** ورزش می‌تواند روی فرهنگ سیاسی یک کشور تأثیر بگذارد، در کشورهایی که بیشتر به دلایل فرهنگی مشارکت سیاسی عمومی وجود ندارد، گاهی هر چند ضعیف به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی باز کند. از سوی دیگر، پیشتازی نخبگان در ایفای نقش‌های مختلف اجتماعی و نقش آن در الگو شدن برای قشرهای مرتبط نیازی به استدلال ندارد. البته هر چند این امر در نقاط مختلف دنیا اتفاق می‌افتد اما بسته به شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشورها این الگو شدن متفاوت است. ورود اعضای تیم ورزشی به عرصه سیاست، به‌طور طبیعی راه ورود هواداران آن تیم به این عرصه را باز می‌کند. به همین دلیل امروزه و در دنیای معاصر معمولاً در موقع انتخابات جناح‌های سیاسی سعی می‌کنند

ورزشکاران مشهور را در لیست انتخاباتی خود قرار دهند و یا حداقل اینکه سعی می‌کنند نظر حمایتی آن‌ها از یک حزب یا شخص را به دست آورند (ملکوتیان، ۱۳۸۸).

**روابط ایران و کشورهای عربی:** روابط ایران و کشورهای عربی با پیشینه تاریخی مشترک از دوران باستان، از یک سو تحت تأثیر برخی عوامل واگرا و از سوی دیگر، همگرایی ناشی از وابستگی‌ها و پیوستگی‌های دو سویه در یک فرآیند زمانی دستخوش تغییر و تحولات و دگرگونی‌های سیاسی - تاریخی بوده است. این روابط در حال حاضر به‌رغم اشتراکات فرهنگی و تاریخی متعدد و نیازهای دوجانبه، تحت تأثیر متغیرهای عدیده و بدبینی‌ها و احساس تقابل‌ها به‌ویژه در دوره معاصر به سردی گراییده و در حد مطلوبی ارزیابی نمی‌گردد. این در حالی است که از یکسو به دلیل اصول مشترک جهان اسلام و از سوی دیگر ضرورت‌های تعامل دو سویه میان ایران با جهان عرب، امروزه اقتضا دارد اسلام به صورت یکپارچه و متحد درآید (ملک‌زاده، ۱۳۹۸).

**ضرورت ورزش به عنوان نهاد اجتماعی - سیاسی:** ورزش به عنوان نهاد اجتماعی در عصر حاضر می‌تواند در زمینه ارتباط توانایی‌های بدنی مورد اهمیت و مطالعه قرار گیرد. در واقع عصر حاضر ورزش بخشی از روند تحولات کلی جامعه را با خود به همراه می‌آورد و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس ورزش در جامعه دارای رنگ و بوی فرهنگی است و هر جامعه‌ای از این پدیده مطابق با فرهنگ حاضر دریافت خاصی دارد. چنین نسبت فرهنگی از پدیده ورزش در حوزه مطالعات اجتماعی که ناشی از خلاقیت‌های اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها می‌باشد، بیانگر این است که پدیده ورزش به عنوان یک محصول فرهنگی و اجتماعی مستقل از جامعه نیست و در متن نظام اجتماعی تکامل پیدا می‌کند. نهاد ورزش را در جامعه باید نوعی نظام سازمان‌یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی و سیاسی دانست که برخی از رفتارهای تأیید شده و یکنواختی را در اعضای مشارکت‌کننده ورزشی در جهت برآورده کردن نیازهای بنیادی جامعه به وجود می‌آورد (محمدی عزیزآبادی و همکاران، ۱۳۹۹).

**ورزش، گسترش همکاری‌های دوستانه و صلح بین‌المللی:** مراسم‌ها و مناسک‌ها در طول تاریخ بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و از کار ویژه‌های اصلی آن‌ها می‌توان به معنا دهی هستی، ایجاد امید و انگیزه زیست، اتحاد و هماهنگی در انجام امور، ایجاد علقه، تعامل در بین افراد جامعه، تاریخ جمعی قابل رجوع و... اشاره کرد که اغلب این خصایل در بازی ورزشی

کودکانه گرفته تا مسابقات جام جهانی و المپیک و سایر رویدادهای بزرگ ورزشی قابل مشاهده است. صلح گرچه به عنوان امری در مقابل جنگ، معنای روشن را به ذهن متبادر می‌کند اما در مراتب و سطوح متعدد و گوناگونی چون صلح در مقابل خشونت رفتاری، گفتاری و حتی صلح با خود، قابل بحث و بررسی است. آنچه به هویت قوام می‌بخشد تفاوت است و تفاوت‌ها با ارزش گذاری‌هاست که در پیوند با منافع، صلح را به مخاطره انداخته، از سطح فرد تا دولت و منطقه و جهان پیش می‌رود. در مقابل، اتحادها و همبستگی‌ها و تعامل‌ها اسباب درک متقابل و حس احترام بشر به صلح را قوام می‌بخشد (شاه رضایی و همکاران، ۱۳۹۷).

### ۳. پیشینه پژوهش

محسنی فر و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی که به بررسی روابط ورزشی ایران و عربستان سعودی پرداخته بودند به این نتیجه رسیدند که تنش‌ها بین تهران و ریاض پس از حمله به سفارت عربستان در تهران و مشهد (ژانویه ۲۰۱۶) و اعدام شیخ نمر، شیخ شیعیه مخالف دولت سعودی افزایش یافت و عربستان سعودی برای اطمینان از امنیت بازیکنانش درخواست کرده است که دیدارهای لیگ قهرمانان آسیا مقابل حریفان ایرانی در زمینی بی‌طرف برگزار شود؛ همچنین بیان می‌کنند که مدیران و سیاستمداران ورزشی در ایران از تنش‌های سیاسی بین دو کشور بکاهند و برای ایجاد صلح، دوستی و امنیت بین دو کشور تلاش کنند.

انور و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که زنان مسلمان دارای توانایی و استعداد لازم برای بازی در مسابقات بین‌المللی و برتری در رفتار هستند، با این حال موانع اصلی بر سر راه آن‌ها این است که زنان باید در مقابل انبوه تماشاگران و استخدام‌کنندگان مرد و قوانین لباس پذیرفته شده توسط سازمان‌های ورزشی در سرتاسر جهان اجرا کنند. لی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) نیز در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که زنان مسلمان در هر دو کشور عمان و پاکستان اصلاً ورزش نمی‌کردند. همچنین بن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) نیز در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که منشور المپیک به حقوق جهانی متعهد می‌شود که در ورزش مشارکت کند و از تبعیض به

1Anwa et al

2Li et al

3Benn et al

دلایل جنسیت و مذهب عاری شود؛ و با این حال مقررات مربوط به لباس‌های ورزشی المپیک می‌تواند الزامات مذهبی زنان مسلمان را به دلیل تواضع در پوشاندن بدن نفی کند.

چنگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در نتایج پژوهش خود بیان می‌کند که ورزش زنان مسلمان هیچ‌گونه سازش بین پیروی شرعی و تعهدات ورزشی و جاه‌طلبی‌های خود برای بازی در قوانین رقابتی فوتبال استرالیا نداشتند. داگکاس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که داده‌های کیفی با مصاحبه ۲۴ زن مسلمان یونانی و ۲۰ زن مسلمان انگلیس جمع‌آوری شده است و تربیت بدنی در هر دو کشور دارای وضعیت برنامه درسی ملی و منطقی مشابه است اما دارای فرهنگ‌های مختلف رسمیت و سنت است که بر تجربیات دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد.

لیموشیا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که ورود زنان و دختران به ورزش قرن‌ها مورد بحث قرار گرفته است و زنان معلول در بسیاری از کشورهای کم درآمد و متوسط با چالش‌های سه‌گانه مرتبط با جنسیت، فقدان منابع اقتصادی و ناتوانی مواجه هستند. پفیستر<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) نیز در نتایج پژوهش خود بیان می‌کند که فرصت پوشیدن حجاب توسط گروه‌های مذهبی و رهبران می‌تواند برای اعمال فشار بر ورزشکاران استفاده شود و از آن‌ها بخواهد که لباس‌هایی را که به نظر آن‌ها صحیح است، بپوشند. بیات<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) در نتایج پژوهش خود بیان می‌کند که اسلام مانع فعالیت و حضور دانشجویان در عرصه ورزشی می‌شود. همچنین ناکامورا<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) به کاهش فعالیت زنان در عرصه ورزش به دلیل حجاب اشاره می‌کند. رویینسون و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان نگرش زنان نسبت به حجاب بیان می‌کند که زنان از حجاب به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان مسلمان بودن خود و همچنین کنترل زندگی استفاده می‌کنند.

نقدی و همکاران (۱۳۹۰) در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر، میزان سرمایه فرهنگی، تمایل فردی و حمایت اجتماعی بیشتر از زنان ورزشکار نسبت به زنان غیر ورزشکار است؛ نگرش خانواده زنان ورزشکار، مثبت‌تر و میزان پذیرش باورهای قالبی به‌طور معنی‌داری

1 Cheng  
2 Dagkas  
3 Limoochi et al  
4 Pfister  
5 Bayat  
6 Nakamura  
7 Robinson



کمتر از زنان غیر ورزشکار است. شریعتی فیض‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که دیپلماسی ورزشی در ۱۰ محور برندی‌نگ و پرستیژ بین‌المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه‌ای و توسعه قدرت هوشمندانه کدگذاری شدند که جمهوری اسلامی ایران تاکنون به دلیل نداشتن استراتژی واحد در زمینه دیپلماسی ورزش و دید حیات خلوت به ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق را از دست داده است. همچنین جوادی پور و همکاران (۱۳۹۸) نیز در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که چالش‌ها و ضعف‌های مختلف شامل نبود خط‌مشی‌های روشن و شفاف، نداشتن آگاهی و دانش لازم در این زمینه، عدم شناخت ظرفیت‌های بالقوه دیپلماسی فرهنگی ورزشی را مشخص می‌کند و پیشنهادها و اقداماتی را در زمینه تحقق اهداف دیپلماسی ورزشی از طریق میزبانی رویدادهای بین‌المللی، حضور در رویدادهای بین‌المللی، اعزام مربیان و ورزشکاران، بستر رسانه ملی، استفاده از ستارگان و نخبگان ورزشی و عضویت هدفمند در مجامع بین‌المللی را ارائه می‌دهند.

طبق بررسی‌های محقق پژوهش‌های بسیار کمی در رابطه با چالش‌های سیاسی مسابقات ورزشی و به‌خصوص ورزش زنان کشورهای اسلامی انجام شده است؛ با این حال از محدود پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان به پژوهش بخشی چناری و همکاران (۱۳۹۸) که بیان می‌کنند که بازبینی و بازنگری آئین‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و ...)، برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به‌عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی-ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی، راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از دیدگاه نخبگان است. محمدی عزیزآبادی (۱۳۹۶) نیز در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که ورزش می‌تواند نقش‌های مهم و راهبردی در روابط ملت‌ها و دولت‌ها در سطوح مختلف داشته باشند؛ اما در نزدیک‌ترین پژوهش به پژوهش حاضر فرزاد فر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به شناسایی پیامدهای اجتماعی ملی و بین‌المللی موفقیت زنان ورزشکار مسلمان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی

پرداختند و عنوان کردند که پیامدهای موفقیت زنان ورزشکار مسلمان در رویدادهای بین‌المللی، در دو طبقه ۱. پیامدهای ملی که شامل افزایش غرور و اعتماد به نفس در جامعه و ۲. پیامدهای بین‌المللی که شامل: شناساندن دین اسلام به سایر ملل، ارتباط و استحکام ملت‌ها و عدم ایجاد محدودیت حجاب و پوشش زنان ورزشکار مسلمان است می‌شود.

ورزش زنان امروزه به عنوان یکی از موضوعات اساسی در حیطه ورزش مطرح می‌باشد، امروزه بررسی مفاهیم اجتماعی و نگرش مردم نسبت به این مفاهیم از برنامه‌های گسترده بعضی نظام‌های حکومتی دنیا می‌باشد زیرا از این طریق می‌توان به نیازها و خواسته‌های مردم و موضع گیری‌های هر یک از اقشار اجتماعی نسبت به برنامه‌ریزی و سیاست‌های حکومتی پی برد. به‌طور طبیعی هر پژوهش در تداوم پژوهش‌های پیشین و متکی به دستاوردهای پیشین انجام می‌شود؛ در حالی که خود هم‌سخنی تازه دارد و هم روش‌هایی دقیق‌تر در شناخت پدیده به کار می‌گیرد. در این پژوهش نیز پیشینه تحقیقات خارجی و داخلی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه در این پژوهش به دنبال تحلیل چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی هستیم، هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین، تحلیل واحد و جامعی را ارائه نکرده‌اند تا بتوان آن را به‌عنوان چارچوب نظری، مبنای طرح پژوهش قرار داد. به همین منظور به دلیل نبود پژوهشی جامع در این زمینه با استفاده از مصاحبه با ۲۵ نفر از جامعه آماری این چالش‌ها شناسایی شد؛ و چالش‌های شناسایی شده در بخش مصاحبه، توسط گروه دلفی (۲۵ نفر) مورد بررسی قرار گرفتند و نویسندگان این پژوهش به تحلیل این چالش‌ها پرداخته‌اند.

مسابقات بازی‌های بانوان اسلامی در سال ۱۹۹۳ میلادی به پیشنهاد نائب رئیس وقت کمیته ملی المپیک ایران در سال ۱۳۶۹ و رئیس سابق مجلس و رئیس جمهوری وقت آن زمان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین رئیس مجلس خبرگان، پایه‌گذاری و به تصویب هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک رسید. به علت این‌که زنان نمی‌توانند بدون حجاب کامل در مسابقات بین‌المللی رقابت کنند این بازی‌ها را پایه‌گذاری شد؛ علت دیگر برگزاری این بازی‌ها انگیزه دادن به بانوان مسلمان و کناره‌گیری این بانوان از گوشه‌نشینی و خمودی است. این فدراسیون تاکنون چهار دوره مسابقات بین‌المللی زنان مسلمان را در ایران میزبانی کرده است. پنجمین دوره این مسابقات قرار بود در سال ۲۰۱۰ در ایران برگزار شود که به دلایل سیاسی در بین کشورهای

مسلمان از جمله عربستان سعودی و ایران این مسابقات لغو شد و دیگر در هیچ سالی برگزار نشده است؛ از این رو با توجه به محدودیت پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی از یک طرف و همچنین جایگاه استراتژیک کشورهای مسلمان در خاورمیانه از طرف دیگر محقق در این پژوهش به دنبال این مسئله است که چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی کدام‌اند؟ تا در نهایت پس از شناسایی این عوامل به تحلیل آن‌ها پردازد.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر یک پژوهش تحلیلی است که برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، از روش توصیفی و آمیخته اکتشافی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارشناسان علوم ورزشی، کارشناسان و اساتید علوم سیاسی، اساتید جامعه‌شناسی، مربیان، داوران، ورزشکاران در سطح کشور می‌باشد؛ روش نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند و در دسترس بود. در مرحله اول پژوهش با استفاده مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۵ نفر از جامعه آماری انجام و پس از اشیاع نظری، مصاحبه‌ها متوقف شد. در این مرحله چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی مشخص شد. در مرحله بعد از طریق تکنیک دلفی (سه مرحله) به استخراج چالش‌های سیاسی پرداخته شد. در مرحله اول و دوم بخش دلفی پرسشنامه حاصل از چالش‌های شناسایی شده در مصاحبه با پاسخ بلی / خیر برای استخراج عوامل اصلی چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی شناسایی شد و مرحله سوم به صورت طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت برای رتبه‌بندی این عوامل در بین گروه دلفی (۲۵ نفر) توزیع شد. برای تعیین روایی محتوایی پرسشنامه با ۶ تن از اساتید مدیریت ورزشی مشورت شد و بعد از اعمال کلیه پیشنهادات اصلاحی و تغییرات ضروری، پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت؛ همچنین پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد ( $\alpha = 0/86$ ). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، در تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده و همچنین مصاحبه و نیز ویرایش آن در گروه‌های مفهومی یکسان، طبقه‌بندی و کدگذاری انجام شد و به صورت کیفی تحلیل شدند و در مرحله اول و دوم بخش دلفی پس از اعمال نظر گروه دلفی، مواردی که حداقل دارای ۷۰ درصد پاسخ مثبت بودند، برای مرحله نهایی در پرسشنامه باقی ماندند؛ در مرحله سوم دلفی پس از جمع‌آوری پرسشنامه، داده‌ها به کمک تکنیک تاپسیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵. یافته‌های پژوهش

جدول ۱. توزیع فراوانی متغیرهای توصیفی نمونه‌های پژوهش و اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شونده‌ها

متغیر	فراوانی	درصد
سن	۳۵-۲۵	۲۰
	۴۵-۳۶	۳۶
	۵۵-۴۶	۲۸
	۵۶ و بالاتر	۱۶
جنسیت	زن	۵۶
	مرد	۴۴
سابقه	۵-۱	۱۶
	۱۰-۶	۲۰
	۱۵-۱۱	۴۰
	۲۰-۱۶	۱۶
	۲۰ به بالا	۸
تحصیلات	لیسانس	۳۲
	کارشناسی ارشد	۲۸
	دکترای	۴۰
سمت	اساتید علوم سیاسی	۲۸
	کارشناس علوم سیاسی	۱۲
	اساتید علوم ورزشی	۱۶
	کارشناس علوم ورزشی	۱۲
	اساتید جامعه‌شناسی	۱۶
	مریی	۴
	داور	۴
	ورزشکار	۸

## ۶. یافته‌های حاصل از روش دلفی

جدول ۲. درصد عوامل (دور اول و دوم دلفی)

ردیف	عوامل	دور اول دلفی			دور دوم دلفی		
		درصد پاسخ مثبت	تعداد پاسخ مثبت	تائید	درصد پاسخ مثبت	تعداد پاسخ مثبت	تائید
	چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی						
T1	ترس عربستان از مسئله هسته‌ای ایران	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T2	ترس عربستان از صدور انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان دیگر	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T3	کشتار حجاج بیت‌الله الحرام در سال ۱۹۸۸	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T4	روی کار آمدن دولت شیعی در عراق و مخالف با سیاست عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T5	حمایت ایران از بهار عربی یا بیداری اسلامی در کشورهای عربی	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T6	قیام و تحولات در کشورهای بحرین، یمن و سوریه، مصر، تونس	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T7	تحریم نفتی ایران از سوی کشورهای غربی و حمایت عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T8	ورود حزب‌الله که بازوی نظامی ایران در منطقه به شمار می‌رود	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T9	اعزام نیروهای مستشاری از جانب ایران به سوریه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T10	تجاوز به دو جوان ایرانی در فرودگاه جدّه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T11	حادثه منا	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T12	نوع تعامل عربستان با ایران در استرداد جنازه‌ها در حادثه منا	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T13	اختلاف ایران و ترکیه قبل از برجام بر سر سوریه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T14	اعدام شیخ نمر عالم عربستانی که ایران به شدت نسبت به آن حساس بود	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید

T15	اشغال سفارت عربستان در تهران و مشهد	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T16	قرار دادن نام حزب‌الله لبنان در لیست گروه‌های تروریستی و تلاش برای تروریستی اعلام کردن آن توسط شورای همکاری خلیج فارس و سازمان همکاری‌های اسلامی	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T17	پایین آوردن قیمت نفت با افزایش تولید برای ضربه به اقتصاد ایران	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T18	تلاش عربستان برای نافرجام گذاشتن مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T19	تلاش عربستان برای سرنگون سازی بشار اسد در سوریه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T20	قطع روابط دیپلماتیک عربستان با ایران	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T21	عدم میزبانی مسابقات فوتبال لیگ قهرمانان آسیا در دو کشور	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T22	عربستان در صدر کشورهای حامی عراق در جنگ هشت‌ساله با ایران قرار داشت	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T23	تهاجم عراق به کویت	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T24	عربستان سعودی با تأکید بر اینکه مهد عربیت و اسلامیت و سرزمین وحی است تلاش دارد دو مفهوم اسلام و عربیت را به هم پیوند بزند	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T25	صلح مصر با اسرائیل و طرد آن از سوی اکثر کشورهای اتحادیه عرب	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T26	تشکیل اتحادیه عرب در سال ۱۹۴۵ و عدم حضور ایران در آن	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T27	باوجود حرمین شریفین در کشور عربستان سعودی و مرکزیت معنوی آن در جهان اسلام این کشور همواره خود را مستحق رهبری جهان اسلام می‌داند	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T28	کمک کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا در بقای حکومت آل سعود در عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید

T29	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T30	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T31	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و نهضت آزادی‌بخش و تعرض با اسرائیل و غرب	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T32	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در استقرار یک جامعه‌ی اسلامی بر اساس مبانی شیعی	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T33	موقعیت ژئوپلیتیک و جایگاه خاص ایران و عربستان در خاورمیانه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T34	نفوذ عربستان در بین اقلیت‌های مذهبی در ایران	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T35	تأکید و تعهد ایران به جنبش فلسطین	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T36	مخالفت ایران با امپریالیسم غربی در منطقه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T37	ایستادگی ایران در برابر فشار ایالات‌متحده آمریکا در مسئله هسته‌ای	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T38	تعارض ایران با آمریکا و اسرائیل و حمایت عربستان از این دو کشور	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T39	وجود مذهب وهابیت در عربستان که اصولاً مذهب تشیع را کافر و رافضی می‌دانند	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T40	تفاوت‌های قومی مذهبی در ایران و کشورهای مسلمان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T41	توسعه فعالیت‌های تخریبی در میان اقوام ایرانی به‌ویژه اهل سنت و ایجاد درگیری‌های قومی-مذهبی در ایران از سوی عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T42	حمله حوثیان یمن به مرکز نفتی عربستان و آمریکا (آرامکو) در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T43	تغییر نام خلیج فارس در کشورهای عربی به خلیج عرب	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T44	حمایت عربستان از گروه داعش و النصره	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید

T45	حمله به یمن از طرف عربستان و هم‌پیمانان خود از جمله (مصر، امارات، کویت، بحرین، قطر، اردن، مغرب و سودان) که موجب جنگ بین یمن و عربستان شد	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T46	کنار گذاشتن ائتلاف اخوان المسلمین توسط عربستان، برای ایجاد ائتلافی ضد ایرانی	-	-	-	-	۲۵	تائید
T47	عربستان هرگونه توافق هسته‌ای میان ایران و غرب را در راستای منافع خود نمی‌داندست و آن را جزئی از تحولی می‌داند که می‌تواند به صعود و گسترش ایران در منطقه کمک کند	-	-	-	-	۲۵	تائید
T48	فروش تسلیحات جنگی آمریکا به عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T49	اندیشه وهابی بر توسعه اختلافات بین مسلمانان و شیعه کشی به‌ویژه در افغانستان، پاکستان و عراق تأکید دارد	-	-	-	-	۲۵	تائید
T50	بازداشت نخست‌وزیر لبنان توسط عربستان در سال ۱۳۹۶ و مجبور کردن او به استعفا	-	-	-	-	۲۵	تائید
T51	حمایت عربستان از راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی فارسی‌زبان مخالف ایران از جمله (ایران اینترنشنال)	-	-	-	-	۲۵	تائید
T52	مهاجرت تعدادی از گزارشگران و خبرنگاران ورزشی به شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی فارسی‌زبان از جمله (ایران اینترنشنال)	-	-	-	-	۲۵	تائید
T53	حمایت عربستان از حملات جدایی‌طلبانه و تروریستی در ایران از جمله (کشتار در اهواز در ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ در حمله داعش به رژه نیروهای مسلح)	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T54	سرویس امنیتی عربستان پشت سر حمله انتحاری به پاسگاه پلیس در چابهار در سال ۱۳۹۷	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T55	سیاست خارجی عربستان مبنی بر مبارزه با تهدید	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T56	ترور حاج قاسم سلیمانی توسط نیروهای آمریکا مورد حمایت عربستان	-	-	-	-	۲۵	تائید



T57	حمایت ایران از نیروهای شیعی حوثی در یمن	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T58	آزادسازی سرزمین‌های جنوب لبنان توسط حزب‌الله از جنگ اسرائیل	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T59	قتل جمال خاشقچی توسط سفارت عربستان در عراق	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T60	سرنگونی حکومت اخوانی مصر توسط عربستان و حضور نظامیان این کشور در مصر	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T61	تحریم قطر توسط عربستان، امارات، بحرین و کویت از سال ۱۳۹۵	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T62	همراهی و ارسال کمک کالاها و تدارکات غذایی ایران و ترکیه به قطر در زمان تحریم این کشور از سوی عربستان، امارات، بحرین و کویت	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T63	سرکوب کردن قیام مردم بحرین توسط عربستان و اشغال این کشور	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T64	تأمین کردن نیازهای تروریست‌ها در دو پایگاه اردن و ترکیه توسط آمریکا، عربستان، اسرائیل و ترکیه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T65	حمله نظامی ترکیه به سوریه و کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان و مردم سوریه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T66	جلوگیری از سفر حجاج ایرانی به حج از سوی کشور عربستان در سال ۱۳۹۵	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T67	حمایت عربستان-اسرائیل و چندین گروه کردی-عربی و بلوچ جهت مبارزه علیه ایران و عراق در سال ۱۳۹۵	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T68	حمایت عربستان از گروهک جیش العدل در بلوچستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T69	حمایت عربستان و شبکه العربیه از حزب دموکرات و کومله در کردستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T70	حمله تروریستی حامیان عربستان به مجلس شورای اسلامی ایران	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T71	حمله تروریستی حامیان عربستان به مرقد امام خمینی (ره)	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T72	تلاش عربستان برای استفاده از منافقین و تلاش برای برافروختن آتش جنگ نیابتی در افغانستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید

T73	تلاش عربستان برای هژمونی اماکن مذهبی در کشورهای چون سودان، سوریه، پاکستان و افغانستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T74	ایجاد ائتلاف سیاسی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت توسط عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T75	همکاری عربستان با اسرائیل در جهت ضربه زدن به محور مقاومت	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T76	تشکیل ائتلاف سازمان همکاری اسلامی از طرف عربستان و ۴۱ کشور دیگر بدون ایران	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T77	برگزاری نشست‌های غیر مشروع سازمان‌های عربی-اسلامی باهدف تهدید ایران و انتقاد از جمهوری اسلامی ایران ازجمله (نشست‌های سه‌جانبه همکاری خلیج‌فارس، نشست اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی) در ماه می ۲۰۱۹ در عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T78	وجود اختلاف در میان کشورهای عربی-اسلامی با عربستان همچون قطر و ترکیه	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T79	گسترش وهابی‌گری و اعزام میلان وهابی در اکثر کشورهای مسلمان و شمال آفریقا از طرف عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T80	اعطای بورس تحصیلی رایگان به دانش‌آموختگان کشورهای دیگر در جهت تبلیغ وهابیت از طرف عربستان	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T81	قطع روابط دیپلماتیک کشورهای بحرین، سودان، جیبوتی، سومالی و کومور با ایران در زمان حمله به سفارت عربستان در ایران	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T82	تلاش عربستان برای کاهش اهمیت راهبردی تنگه هرمز	۱۰۰	۲۵	تائید	۱۰۰	۲۵	تائید
T83	حمله اسرائیل به غزه	-	-	-	-	-	-
T84	سرکوب و اعدام شیعیان عربستان توسط این کشور	-	-	-	-	-	-
T85	حمایت‌های صریح عربستان از ارتش آزاد سوریه	-	-	-	-	-	-
T86	حملات موشکی ایران به مواضع تروریست‌ها در دیرالزور سوریه	-	-	-	-	-	-

T87	تأیید	۲۵	۱۰۰	-	-	-	تأسیس ناتوی عربی-غربی در راستای مقابله با ائتلاف ایران-روسیه
T88	تأیید	۲۵	۱۰۰	تأیید	۲۵	۱۰۰	حمایت عربستان از افکار عمومی عراق برای عضویت در شورای همکاری خلیج فارس
T89	تأیید	۲۵	۱۰۰	تأیید	۲۵	۱۰۰	سرمایه‌گذاری‌های کلان عربستان برای تحقق بخش‌های عمده‌ای از برنامه‌های توسعه‌ای جریان صدر در عراق
T90	تأیید	۲۵	۱۰۰	تأیید	۲۵	۱۰۰	تخریب مراکز تاریخی شهر قطیف که شیعیان در آنجا سکونت داشتند و ساختن مسجد در این مکان‌ها برای سنی‌ها
T91	تأیید	۲۵	۱۰۰	تأیید	۲۵	۱۰۰	به رسمیت نشناختن مذهب شیعه از سوی حکومت آل سعود
T92	تأیید	۲۵	۱۰۰	تأیید	۲۵	۱۰۰	مخالفت ترکیه و ایران و عراق از برگزاری همه‌پرسی و استقلال اقلیم کردستان عراق
T93	تأیید	۲۵	۱۰۰	-	-	-	حمایت عربستان و آمریکا از برگزاری همه‌پرسی و استقلال اقلیم کردستان عراق
T94	تأیید	۲۵	۱۰۰	-	-	-	توافق عربستان و عراق در شورا هماهنگی نسبت به باز شدن کنسول‌گری عربستان در عراق و پروازهای هوایی بین دو کشور
T95	تأیید	۲۵	۱۰۰	-	-	-	استقبال و حمایت عربستان از اقدام دولت آمریکا در قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا در سال ۲۰۱۹
T96	تأیید	۲۵	۱۰۰	-	-	-	اخراج همه افراد مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از قطر و تنظیم روابط تجاری با ایران در چارچوب تحریم‌های آمریکا
T97	تأیید	۲۵	۱۰۰	-	-	-	تحرك منطقه‌ای عربستان، ترکیه، مصر و امارات متحده عربی برای مقابله با ایران در قالب هلال شیعی
T98	تأیید	۲۵	۱۰۰	-	-	-	حمله تظاهرکنندگان تهرانی به سفارت عربستان در سال ۱۳۶۶ در تهران که باعث کشته شدن یک دیپلمات سعودی شد

T99	حادثه ۱۱ سپتامبر	-	-	-	۱۰۰	۲۵	تائید
T100	انتصاب محمد بن سلمان به ولیعهدی عربستان	-	-	-	۱۰۰	۲۵	تائید
T101	جنگ سی سه روزه حزب الله لبنان در مقابل اسرائیل	-	-	-	۱۰۰	۲۵	تائید
T102	عدم صدور ویزا برای حجاج و بازگرداندن برخی پروازهای راهیان حج به ایران از طرف عربستان در سال ۱۳۹۴	-	-	-	۱۰۰	۲۵	تائید

### ۶. یافته‌های حاصل از تکنیک تاپسیس

جدول ۳. محاسبه نزدیکی به راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی و همچنین رتبه‌بندی گزینه‌ها

نتیجه	ضریب نزدیکی	نتیجه	ضریب نزدیکی	نتیجه	ضریب نزدیکی	نتیجه	ضریب نزدیکی	نتیجه	ضریب نزدیکی
T6	۰/۰۰۹۹	T36	۰/۰۰۷۱	T92	۰/۰۰۴۹	T58	۰/۰۰۳۴	T14	۰/۰۰۲۲
T5	۰/۰۰۹۸	T44	۰/۰۰۷۰	T93	۰/۰۰۴۸	T60	۰/۰۰۳۳	T9	۰/۰۰۲۲
T2	۰/۰۰۹۷	T24	۰/۰۰۶۸	T99	۰/۰۰۴۷	T61	۰/۰۰۳۳	T11	۰/۰۰۲۱
T63	۰/۰۰۹۵	T27	۰/۰۰۶۷	T101	۰/۰۰۴۶	T59	۰/۰۰۳۲	T12	۰/۰۰۲۰
T31	۰/۰۰۹۴	T39	۰/۰۰۶۶	T8	۰/۰۰۴۵	T62	۰/۰۰۳۲	T10	۰/۰۰۱۹
T22	۰/۰۰۹۳	T49	۰/۰۰۶۵	T1	۰/۰۰۴۴	T65	۰/۰۰۳۲	T53	۰/۰۰۱۷
T45	۰/۰۰۹۱	T51	۰/۰۰۶۴	T7	۰/۰۰۴۳	T66	۰/۰۰۳۲	T54	۰/۰۰۱۵
T19	۰/۰۰۹۰	T72	۰/۰۰۶۴	T13	۰/۰۰۴۳	T67	۰/۰۰۳۲	T43	۰/۰۰۱۵
T32	۰/۰۰۸۸	T76	۰/۰۰۶۳	T16	۰/۰۰۴۲	T80	۰/۰۰۳۲	T42	۰/۰۰۱۲
T91	۰/۰۰۸۷	T79	۰/۰۰۶۱	T17	۰/۰۰۴۱	T81	۰/۰۰۳۲	T15	۰/۰۰۱۱
T68	۰/۰۰۸۶	T84	۰/۰۰۶۰	T18	۰/۰۰۳۹	T83	۰/۰۰۳۱	T52	۰/۰۰۱۰
T69	۰/۰۰۸۵	T97	۰/۰۰۵۹	T25	۰/۰۰۳۹	T82	۰/۰۰۲۹	T20	۰/۰۰۰۹
T74	۰/۰۰۸۴	T3	۰/۰۰۵۹	T26	۰/۰۰۳۹	T78	۰/۰۰۲۸	T21	۰/۰۰۰۷
T73	۰/۰۰۸۲	T23	۰/۰۰۵۸	T29	۰/۰۰۳۹	T85	۰/۰۰۲۸	T56	۰/۰۰۰۷
T75	۰/۰۰۸۰	T28	۰/۰۰۵۷	T30	۰/۰۰۳۸	T87	۰/۰۰۲۷	T70	۰/۰۰۰۶
T64	۰/۰۰۷۸	T40	۰/۰۰۵۶	T37	۰/۰۰۳۸	T88	۰/۰۰۲۶	T71	۰/۰۰۰۴
T41	۰/۰۰۷۷	T46	۰/۰۰۵۴	T38	۰/۰۰۳۸	T98	۰/۰۰۲۶	T86	۰/۰۰۰۲
T34	۰/۰۰۷۶	T77	۰/۰۰۵۳	T47	۰/۰۰۳۷	T100	۰/۰۰۲۵	T95	۰/۰۰۰۱

		۰/۰۰۲۴	<b>T102</b>	۰/۰۰۳۶	<b>T48</b>	۰/۰۰۵۳	<b>T89</b>	۰/۰۰۷۵	<b>T4</b>
		۰/۰۰۲۳	<b>T55</b>	۰/۰۰۳۵	<b>T50</b>	۰/۰۰۵۲	<b>T90</b>	۰/۰۰۷۳	<b>T96</b>
		۰/۰۰۲۳	<b>T33</b>	۰/۰۰۳۵	<b>T57</b>	۰/۰۰۵۱	<b>T94</b>	۰/۰۰۷۲	<b>T35</b>

### بحث و نتیجه‌گیری

ورزش دیگر صرفاً کنشی بدنی نیست بلکه بسته به فضای شکل‌گیری آن دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... است؛ همچنین ورزش در بسیج عمومی و تهییج احساسات، بهره‌گیری از آن جهت توسعه اقتصادی، تبلیغات رسانه‌ای و ایجاد مشروعیت و ملت‌سازی و همگرایی ملی جذابیت‌های ویژه دیگری‌اند که حکومت‌ها را در توجه به ورزش ناگزیر ساخته است. خلق مفاهیم جدیدی چون سیاست ورزشی، بازی سیاسی و دیپلماسی ورزشی بین قدرت‌های درگیر در عرصه سیاست بین‌الملل نشان از خلق عرصه جدیدی برای تعاملات سیاسی در چهره‌ای متفاوت از میدان جنگ یا مذاکرات سیاسی عربیان دارد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی بود. نتایج نشان داد که جمهوری اسلامی ایران و عربستان دو رقیب سنتی قدرتمند در سطح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس هستند. این دو کشور از قبل از انقلاب اسلامی تاکنون با شدت و ضعف‌های مختلف به رقابت بر سر مسائل مختلف منطقه‌ای پرداخته‌اند. این موضوع پس از تحولات موسوم به بیداری اسلامی (بهار عربی) شدیدتر شده است و در برخی از کشورهای عربی منطقه (عراق، سوریه، بحرین و یمن) به وضوح نشان داده شده است و باعث شده است تا این دو کشور به موضع‌گیری‌ها و فعالیت‌هایی برعکس یکدیگر کشانده شوند؛ بنابراین ماهیت رقابت‌های این دو کشور در چهار حوزه بررسی شده را می‌توان استراتژیک و ژئوپلیتیک دانسته و با اذعان به تفاوت‌های ایدئولوژیک این دو کشور (شیعی- سنی)، می‌بایست این‌گونه نتیجه گرفت که عنصر استراتژی و درک این دو کشور از یکدیگر به عنوان خطر و تهدید است که فعالیت‌ها و اقدامات آن‌ها در سطح منطقه و در چهار کشور مذکور را جهت داده است.

**قیام و تحولات در کشورهای بحرین، یمن و سوریه، مصر، تونس و دیگر کشورهای اسلامی مهم‌ترین چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی می‌باشد. تحولات**

غرب آسیا (خاورمیانه) که از آن به بهار عربی یا بیداری اسلامی نیز نامبرده شده است، به سلسله قیام‌هایی اطلاق می‌شود که در کشورهای عربی رخ داده است. این قیام‌ها از سال ۲۰۱۲ آغاز شد که اولین قیام در تونس بود و پس از آن در مصر و لیبی، یمن و بحرین ادامه داشت. این قیام‌ها در تونس، مصر، لیبی و یمن به سرنگونی منجر شد. همچنین عربستان سعودی با توجه به رسالتی که برای خود به‌عنوان رهبر جهان اسلام تعریف کرده است و همچنین برای تداوم و گسترش نفوذ خود در منطقه، واکنش‌های جدی از خود در قبال تحولات غرب آسیا بروز داده است، این کشور که تا پیش از این به اتخاذ سیاست محافظه‌کارانه معروف بود، پس از بروز تحولات از بیم اینکه پایه‌های سلطنت سنتی خود را متزلزل دید، سیاست تهاجمی را در دستور کار خود قرارداد، این سیاست در قبال قدرت‌های منطقه اعم از ایران، قطر، ترکیه و حتی پاکستان و مصر، رویه‌های عمل‌گرایانه متفاوتی را سیر نموده است. در این میان روابط عربستان سعودی با محوریت اسلام و هابی باسیاست‌های جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان زمامدار جهان تشیع از اهمیت بالایی برخوردار است، این روابط هرچند روند پر نوسانی را حداقل از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران همراه داشته است، لیکن اصل رقابت‌های ایدئولوژیکی مبتنی بر بی‌اعتمادی دوسویه همواره میان دو کشور برقرار بوده است، نقطه عطف تحول در سیاست خارجی عربستان را می‌توان در بیشینه‌سازی تقابل با ایران در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح منطقه و در نظام بین‌الملل مشاهده کرد. در این زمینه عربستان از قدرت‌یابی ایران پس از ظهور یک دولت شیعی در عراق و تحولات غرب آسیا پس از بیداری اسلامی (بهار عربی) و توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام، به شدت نگران شده بود، لذا سیاست‌های خود را به سمت سوی تشدید چالش‌ها و تنش‌ها با جمهوری اسلامی ایران و دیگر شیعیان منطقه سوق داد نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های عالی شاهی و همکاران (۱۳۹۶)، جلال پور و همکاران (۱۳۹۷)، فروزان و همکاران (۱۳۹۸) و محسنی فر و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا می‌باشد.

**حمایت ایران از بهار عربی یا بیداری اسلامی در کشورهای عربی دومین عامل مهم** چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی می‌باشد. حرکت و تحولات اجتماعی مسلمانان در تونس، لیبی، یمن و مصر و سایر مناطق مهم جهان اسلام از همان ابتدا مورد توجه نگرش‌های مختلف واقع شد. نام‌گذاری این رویدادها به روش خاص می‌توانست

باعث شود که این رویدادها از آغاز به صورتی در چارچوب خاصی دیده شوند که این چارچوب برخی نگرش‌ها و رویه‌ها را برای این رویدادها الزامی کند. برای مثال، هنگامی که پیشوند نام کشوری «دموکراتیک» یا «دموکراتیک خلق» و یا «پادشاهی» است، برخی الزامات در زمینه چگونگی اداره و شیوه زندگی افراد در چنین کشوری ایجاد می‌شود. پارادایم غربی که دارای توانایی سلطه آمیزی در این گونه نام‌گذاری‌ها است و مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نظامی، جغرافیایی و مهم‌تر از همه رسانه‌ای را در استخدام خود دارد، از همان ابتدا نام این رویدادها را «بهار عربی» گذاشت. استفاده از واژه «بهار» در این نام‌گذاری در واقع الهام گرفته از انقلاب‌های میانه قرن نوزدهم در کشورهای مختلف اروپایی است که اصطلاحاً «بهار مردم» یا «بهار انقلاب» نامیده شد که در آن چندین کشور اروپایی درگیر انقلاب و تغییرات ساختاری ای شدند که آثار آن هنوز هم در زندگی اجتماعی مردم این کشورها و حتی سایر کشورهای جهان وجود دارد (اسپربر، ۲۰۰۵). یکی دیگر از کاربردهای سیاسی «بهار» در حوادث پراگ انتهای دهه ۱۹۶۰ اتفاق افتاد که در آن نیروهای کمونیستی و عمدتاً شوروی برای جلوگیری از انجام اصلاحات متمایل به لیبرالیزم در کشور چک به این کشور حمله و آن را اشغال کردند (استولاریک، ۲۰۱۰). اگر چه اسم‌گذاری این نهضت به بیداری اسلامی ابتکار حکیمانه رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود ولی این نام واقعیتی بوده که به‌درستی از ماهیت این نهضت انتزاع شده است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی از همان آغاز دوره رهبری خود واژه «بیداری اسلامی» را نه برای تحولات منطقه بلکه به‌عنوان یک تحول فکری در جهان اسلام برای اولین بار در ۲۶ خردادماه سال ۱۳۶۸ استفاده کردند و طی سخنانی بیداری اسلامی را یک تهدید برای مستکبران سلطه‌گر دانستند: «امروز استکبار جهانی و قلدراهای سیاسی عالم و امپراتوری‌های زر و زور در سرتاسر جهان که در فساد و انحطاط غرقند، با اسلام و نظام اسلامی دشمن هستند؛ زیرا افشاگر و تهدید کننده‌ی آن‌ها، اسلام و بیداری مسلمین است. طبیعی است هر کاری که علیه اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از عهده‌ی آن‌ها برآید، می‌کنند». ایشان در اسفند سال ۱۳۶۸ مجدداً بر مفهوم بیداری اسلامی تأکید کردند و رویکرد حمایت‌گراانه جمهوری

۱. Spring of Nations

۲. Sperber

۳. Stolarik

اسلامی ایران از همه حرکت‌های اسلامی جهان را اعلام نمودند: "ما از بیداری اسلامی در سراسر دنیا حمایت می‌کنیم و مسلمان‌هایی را که در نقاط مختلف عالم می‌خواهند به زندگی و فرهنگ اسلامی خود برگردند، تأیید می‌کنیم؛ چون حق آن‌هاست. آنچه که امروز در دنیا شنیده می‌شود، همه یک‌طور نیست. شعارها، همه به یک حقیقت اشاره نمی‌کنند. قضاوت درباره‌ی مسائل مسلمان‌ها در عالم، قضاوت یکسانی نسبت به همه نیست؛ اما آنچه برای ما محترم است، همان بازگشت به اسلام از سوی مسلمان‌هاست. امروز، مسلمانان عالم حق دارند اسلام و قرآن را گرامی و عزیز بدانند و گرامی و عزیز هم خواهند داشت و به زندگی اسلامی هم بر خواهند گشت و تلاش‌ها و سرکوب‌ها هم هیچ فایده‌ای نخواهد داشت". ایشان در ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۹۰ در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی بر عنوان بیداری اسلامی به‌عنوان نام نما و عنوان این حرکت عظیم تأکید کردند: "آنچه ما را در اینجا گردآورده بیداری اسلامی است یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی‌ئی در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌های را پدید آورده که هرگز در محاسبه‌ی شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آن‌ها را مغلوب و مقهور ساخته است". (نقل شده در وب سایت مقام معظم رهبری).

**ترس عربستان از صدور انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان دیگر دومین عامل مهم چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی می‌باشد.** عربستان تمام کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و دریای سرخ را حوزه ژئوپلیتیک خود تلقی می‌کند و در پی آن است که آن‌ها را تحت امر مدیریتی، سیاسی و ایدئولوژیک خود داشته باشد. این کشور وارد یک رقابت بزرگ ژئوپلیتیک با ایران شده است و نگران از دست دادن قدرت خود در منطقه است، از این‌رو با صرف منابع مالی فراوان و با حمایت آمریکا و مداخله نظامی در برخی کشورها، به دنبال شکل‌دهی ژئوپلیتیک جدید منطقه خاورمیانه است؛ این وضعیت یک سیستم دوقطبی را ایجاد کرده که یک‌سو تابع امکانات ایران و عربستان سعودی و از سوی دیگر تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا و اسرائیل است. تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از دیگر زمینه‌های رقابت میان ایران و عربستان بود. تحولاتی که ایران آن را در قالب بیداری اسلامی تفسیر کرده، از آن حمایت می‌کرد و عربستان آن را دارای منشأ خارجی تفسیر کرده، با آن مخالف بود؛ اوج



تضاد دیدگاه‌های دو کشور در بدو شروع تحولات در اعتراضات بحرین نمود یافت که ایران از معترضان شیعی بحرینی حمایت می‌کرد و در مقابل عربستان، ایران را به مداخله در امور داخلی بحرین متهم کرد و نیروهای خود را برای سرکوب معترضان به بحرین گسیل داد، حوزه دیگر درگیری ایران و عربستان در سوریه بود، عربستان برعکس ایران در پی ناامنی سوریه بود؛ زیرا اولاً ایدئولوژی سعودی‌ها با ایدئولوژی سکولار بشار اسد همخوانی نداشت، ثانیاً سرکوب‌های دائمی رژیم اسد علیه مخالفان سنی، ریاض را بسیار آشفته کرده بود، ثالثاً عربستان دریافته بود که سقوط اسد می‌تواند به‌عنوان فرصت طلایی برای تضعیف ایران را در مورد نحوه برخورد ریاض در داخل این کشور با موضوع بهار عربی خنثی کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج از اردوگاه غرب، مواضع انقلابی باعث تشدید رقابت و حوادث بعدی نظیر جنگ تحمیلی، رقابت دو کشور ایران و عربستان را وارد مرحله جدیدی از رقابت سخت و البته چالش‌های اساسی و گاه توأم با خصومت نمود و امروزه رشد تصاعدی حضور ایران در کشورهای عرب و غیر عرب منطقه از عراق و لبنان گرفته تا بحرین و یمن و بالاخره افغانستان باعث شده تا برخی تحلیل‌گران عرب با ترویج ایران‌هراسی آن‌قدر خطر ایران را بزرگنمایی کرده که عملاً گفتمان نوین و استراتژیک همکاری (اعراب، رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه خطر ایران) را تبلیغ و پیگیری نمایند. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های محسنی فر و همکاران (۲۰۲۲)، صادقی اول و همکاران (۱۳۹۴)، امیری مقدم و همکاران (۱۳۹۸) و علائی و همکاران (۱۳۹۸) هم‌راستا می‌باشد.

**سرکوب کردن قیام مردم بحرین توسط عربستان و اشغال این کشور به نظر می‌رسد** چندین عامل باعث شده است تا حوادث بحرین بازتاب جهانی پیدا نکنند. عامل نخست به نگرانی عربستان از سرایت انقلاب‌های منطقه به این کشور برمی‌گردد با توجه به این‌که شیعیان عربستان سعودی در مرز شرقی آن کشور و در نزدیکی بحرین ساکن هستند و اتفاقاً این منطقه، منطقه نفتی عربستان هم به شمار می‌رود، احساس می‌کند که اگر این رژیم در بحرین کنار گذاشته شود، از کنترل خواسته‌های به‌حق مردم خود به‌ویژه شیعیان هم‌مرز با کشور بحرین عاجز خواهد ماند، بنابراین از نگاه مقامات سعودی، سرکوب قیام بحرین باعث بازگشت آرامش به استان مرزی شرقیه خواهد شد. علاوه بر این عربستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در تأمین

انرژی جهان و ثروتمندترین کشور منطقه خلیج فارس قصد دارد با هرگونه ناآرامی در خلیج فارس که به امنیت منطقه ضربه می‌زند و بر بازار خرید و فروش نفت اثر می‌گذارد، مقابله کند. عامل دوم وجود پایگاه آمریکا در این کشور است و موقعیت سوق الجیشی بحرین اهمیت زیادی برای این کشور دارد. ماهیت اسلامی و ضد آمریکایی جنبش‌های منطقه، به‌ویژه قیام مردم علیه وابستگی بحرین به آمریکا، منافع این کشور را با خطر مواجه ساخته است. با توجه به اینکه امیرنشین بحرین، میزبان دیرینه ناوگان پنجم دریایی و پایگاه اصلی ارتش آمریکا در خلیج فارس است، ناآرامی در این کشور منافع آمریکا را به خطر خواهد انداخت و در صورت بروز تحولی جدی در بحرین، آمریکایی‌ها مجبور خواهند بود قسمت اعظم منطقه را ترک کنند، چون پیش از این، قسمت اعظم نیروهای لجستیک و پشتیبان نظامی آمریکا در طهران و عربستان قرار داشت که برای ثبات بیشتر به بحرین انتقال یافت. در نهایت یکی از دیگر عوامل مهم سرکوب و سانسور قیام مردم بحرین، ایران هراسی و شیعه هراسی است. تلقی عربستان و آمریکا این است که قیام مردم بحرین در صورت موفقیت قدرت بازیگری و تأثیرگذاری ایران را در منطقه افزایش خواهد داد و محور شیعه را که شامل محور مقاومت است، تقویت خواهد کرد و به همین دلیل با همه توان خود درصدد سرکوب و جلوگیری از تحقق آن هستند. سقوط حکومت اقلیت دست‌نشانده در بحرین می‌تواند باعث به روی کار آمدن حکومت شیعی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی به عنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت محدودیت دسترسی نظامیان آمریکا به پایگاه‌های آنان در منطقه شود.

**سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و نهضت آزادی‌بخش و تعرض با اسرائیل و غرب همان‌طور که در اصل یک‌صد و پنجاه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است که:** سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است. یکی از هدف‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک کشور مهم و تأثیرگذار در خاورمیانه، تلاش برای نزدیکی و همکاری با کشورهای منطقه و تحقق بخشیدن به همگرایی منطقه‌ای بوده است؛ اما مهم‌تر از پاره‌ای مشکلات فنی و

اقتصادی، تعارضات سیاسی، ایدئولوژیکی و امنیتی میان کشورهای منطقه است که بار دیگر تحقق نیافتن همگرایی را بر اساس نظریه نو کارکردگرایی تبیین می‌کند. درحقیقت، برداشت‌های متفاوت و متعارض کشورهای خاورمیانه از مسائل گوناگون منطقه، به‌ویژه در امور نظامی و امنیتی و رقابت‌ها و تعصبات ایدئولوژیکی سفت و سخت که عمدتاً در دو قالب اسلام سیاسی شیعی و اسلام محافظه‌کار وهابی و سلفی نمایان می‌شود، مانع تحقق عملی همگرایی میان آن‌ها شده است. این تعارضات بدان انجامیده است که اکنون در منطقه شاهد یک همگرایی دوگانه باشیم. از یک سو، ایران با دوستان و شرکای خود در یک صف و خط واحد به نام «محور مقاومت اسلامی» قرار دارند و از سوی دیگر، عربستان و ترکیه و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در قطب دیگری که «محور محافظه‌کار» شناخته می‌شوند.

محور اول، مخالف حضور آمریکا و متحدان غربی‌اش در منطقه و سیاست‌های تفرقه‌انداز اسرائیل است و می‌کوشد در مناطق بحرانی مثل سوریه و عراق و یمن و بحرین با کنار زدن گروه‌های معارض افراطی، حکومت و قدرت در اختیار نیروهای مردمی و صالح قرار گیرد. در مقابل، محور دوم تلاش دارد با کمک و هماهنگی آمریکا و شرکای غربی‌اش و به بهانه‌های مختلف، از جمله متهم کردن ایران به اشاعه بی‌نظمی و تفرقه در منطقه و دنبال کردن سیاست‌های امنیتی و هسته‌ای یک‌جانبه و تهدیدکننده نظم و توازن در خاورمیانه حتی بعد از توافق هسته‌ای با غرب، از نفوذ ایران و دوستانش در منطقه جلوگیری نموده، در مناطق بحرانی مذکور سیاست‌های هم سو با غرب و ناهم سو با ایران را دنبال نمایند. آنچه این وضعیت را پیچیده‌تر و بغرنج‌تر می‌کند، دخالت‌های ناروای قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا، در منطقه است. آن‌ها به دلیل سیاست‌های ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی، از ایران ناراضی هستند و در نتیجه به پروسه ایران هراسی و اسلام هراسی دامن می‌زنند و می‌کوشند مانع نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه شوند. در داخل منطقه نیز کشورهای محافظه‌کار عرب از آنجا که امنیت خود را وابسته به غرب، مخصوصاً آمریکا، می‌بینند و با دول غربی مراودات و پیمان‌های دوجانبه نظامی دارند، این کوشش‌های ایران برای همکاری و نزدیکی را برنمی‌تابند و در نتیجه همگرایی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده اند. به‌ویژه نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی با دید منفی و بدبینانه می‌نگرند و آن را تهدیدی برای امنیت خود تلقی می‌کنند. از سوی دیگر، حامیان سنتی

و استراتژیک ایران همچون سوریه، حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و جنبش حماس فلسطین و تا حدودی عراق پس از صدام، حکومت جمهوری اسلامی ایران را الگویی مطلوب و موفق از حکومت مردم‌سالاری دینی و به عنوان پایگاه الهام‌بخش ملت‌ها تلقی می‌کنند و معتقدند که برنامه هسته‌ای ایران مقوله‌ای مثبت است که می‌تواند ضریب امنیت منطقه‌ای را، به‌ویژه در برابر اسرائیل، افزایش دهد. از این رو، با ایران همکاری و مفاهمه دارند.

**عربستان در صدر کشورهای حامی عراق در جنگ هشت‌ساله با ایران قرار داشت در** سطح منطقه‌ای، کشورهای عربی منطقه به صورت جداگانه و یا در قالب شورای همکاری خلیج‌فارس و اتحادیه عرب کمک‌های مادی و معنوی زیادی را در اختیار عراق قرار دادند. اتحادیه عرب با آغاز جنگ به دو جبهه حامیان ایران و حامیان عراق تقسیم شد. در حالی که اکثر کشورهای عرب به رهبری اردن، عربستان سعودی و مصر از عراق حمایت می‌کردند، گروهی دیگر از کشورهای عربی یعنی سوریه، لیبی و الجزایر و یمن جنوبی جانب ایران را گرفتند. اتحادیه عرب از زمان آغاز جنگ، به‌ویژه پس از آزادسازی خرمشهر در نشست‌های متعددی ضمن محکوم کردن ایران، به حمایت آشکار از عراق مبادرت ورزید و این روند تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و توقف جنگ ادامه داشت. در این میان جبهه پایداری عرب تحت نفوذ سوریه از موضع جمهوری اسلامی ایران در جنگ حمایت کرد و با برگزاری چند اجلاس و صدور بیانیه‌هایی به حمایت از ایران پرداخت. شورای همکاری خلیج‌فارس که حدود هشت ماه پس از آغاز جنگ و زمین‌گیر شدن نیروهای عراقی با مشارکت کشورهای عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان تشکیل شده بود، مشابه رویه اتحادیه عرب را در پیش گرفت. حجم کمک‌های مالی شورا به عراق از وام و کمک‌های بلاعوض، ۳۵ تا ۴۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که عمدتاً توسط عربستان سعودی، قطر و امارات پرداخت شد. تبدیل بنادر برخی از این کشورها به‌ویژه کویت به مراکز عمده ترابری دریایی برای عراق و انتقال اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله هواپیماهای آواکس در مورد وضعیت نیروهای ایران به عراق، نقش انکارناپذیری در تداوم حیات عراق داشت. مقام‌های شورای همکاری نیز رسماً به بخشی از این کمک‌ها اعتراف کرده اند، به‌طوری‌که در اجلاس سران شورای همکاری در

نوامبر ۱۹۸۳ در دوحه، حاکم بحرین رقم کمک‌ها را چهل میلیارد دلار ذکر کرد و گفت که این غیر از کمک‌های لجستیکی و تدارکاتی به عراق بود.

اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای کمک به عراق، با سیاست‌های نفتی ایران در زمینه افزایش قیمت نفت با کاهش تولید مخالفت کردند و میزان تولید خود را خارج از ضوابط اوپک باهدف کاهش قیمت نفت و به ضرر ایران افزایش دادند. آنان از چاه‌های نفت مشترک، به حساب عراق نفت استخراج کردند و فروختند و امکانات مختلف ترابری، بندری، لجستیکی، اطلاعاتی و سرزمینی مثل اجاره جزیره بوبیان کویت را در اختیار عراق گذاشتند. علاوه بر این، مصر تأمین‌کننده سلاح‌های ساخت روسیه برای عراق بود، اردن بندر عقبه را در اختیار عراق قرار داد که به منزله ارتباط مواصلاتی برای عراق برای تأمین تدارکات بود. سودان نیز نیروهای داوطلب نظامی در اختیار عراق قرار داد. سازمان کنفرانس اسلامی در طول جنگ هشت ساله، سه اجلاس در سطح سران و چهارده اجلاس در سطح وزرای امور خارجه برگزار کرد. این سازمان در آغاز جنگ کمیته حسن نیت را که کمیته صلح اسلامی نیز نامیده می‌شد، تشکیل داد و در طول جنگ در مقر سازمان در «جده» مجموعاً نُه دور مذاکره و نشست را برگزار کرد. سازمان در ابتدای جنگ بر آتش بس فوری تأکید داشت که متضمن تثبیت تجاوزات عراق بود، اما بعد از اصرار ایران به عقب‌نشینی نیروهای عراقی به مرزهای بین‌المللی، طرح‌هایی را به منظور عقب‌نشینی نیروها صادر کرد. واقعیت مسئله این بود که هیچ‌یک از کشورهای عربی از نیات صدام اطلاع نداشتند و اسیر تبلیغات بسیار زیاد عراق و ناسیونالیسم عربی شدند. حوادث بعدی، به‌ویژه حمله عراق به کویت نشان داد که اعضای این شورا چقدر در شناخت ماهیت مسائل منطقه، به‌ویژه شناخت صدام دچار اشتباه بودند.

همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد حمله به یمن از طرف عربستان و هم‌پیمانان خود از جمله (مصر، امارات، کویت، بحرین، قطر، اردن، مغرب و سودان) که موجب جنگ بین یمن و عربستان شد نیز یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی می‌باشد؛ که یکی از جدی‌ترین و مهم‌ترین ائتلاف‌هایی که در سال‌های اخیر به خواست و رهبری عربستان تشکیل شده است، ائتلاف نظامی به رهبری ریاض برای جنگ با یمن است؛ عربستان سعودی در چارچوب یک ائتلاف از کشورهای عربی اکثریت سنی چون

بحرین، سودان، قطر، مراکش، کویت، اردن، مصر و امارات متحده عربی که شامل تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌شد تشکیل شد و در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ موسوم به طوفان قاطع را علیه یمن و انصار الله آغاز کرد، این اقدام بانگیزه‌های گوناگونی صورت گرفت. همچنین شرط هرگونه مصالحه سیاسی برای حل مسئله یمن، توقف یورش ائتلاف سعودی است و تا زمانی که این هجوم ادامه داشته باشد هیچ گروهی نمی‌تواند از امنیت خود یقین داشته باشد، به همین دلیل گروه‌های سیاسی با هر طرحی بدون پیش شرط توقف تهاجم نظامی مخالفت می‌کنند، در یمن هر گروه سیاسی از جانب بخشی از مردم پشتیبانی می‌شود و این گروه‌ها هر کدام نماینده بخشی از جامعه یمنی هستند، بنابراین هر نوع گفتگو از سوی گروه‌های درگیر زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که مورد اقبال عمومی قرار گیرد. پس برای کاهش آن نیز در وهله اول باید این مداخله‌گری‌های خارجی قطع شود و در مرحله بعد همه‌ی گروه‌های سیاسی گرد هم آیند و به راهکاری اساسی برای عبور از بحران بی‌اندیشند. نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های احمدزاده و همکاران (۱۳۹۸)، علوی وفا و همکاران (۱۳۹۸) و محسنی فر و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا می‌باشد.

### قطع روابط دیپلماتیک عربستان با ایران و عدم میزبانی مسابقات فوتبال لیگ قهرمانان

آسیا در دو کشور از دیگر چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی می‌باشد. پس از حمله به نمایندگی‌های سیاسی عربستان سعودی در تهران و مشهد (دی‌ماه ۱۳۹۴ - ژانویه ۲۰۱۶) و افزایش تنش در روابط تهران - ریاض، عربستان برای تأمین امنیت بازیکنان این کشور، خواست که مسابقه با حریفان ایرانی در زمین بی‌طرف برگزار شود. کمیته مسابقات کنفدراسیون فوتبال آسیا در واکنش به این درخواست، در اواخر ژانویه ۲۰۱۶ در دوحه، پایتخت قطر، اعلام کرد که اگر روابط سیاسی دو کشور تا نیمه‌ی مارس همان سال (طی حدود ۶ هفته) به حالت عادی بازنگردد، مسابقات دو طرف در کشور سوم برگزار می‌شود که از آن موقع تا سال ۱۴۰۰ تمامی مسابقات فوتبال نمایندگان این دو کشور در لیگ قهرمانان آسیا در کشور سوم (بی‌طرف) برگزار می‌شود. البته کشور ایران در پی اعتراض‌هایی نسبت به پیامدهای اقتصادی بازی در زمین بی‌طرف، به کنفدراسیون فوتبال آسیا اعلام کرد که از این پس رویارویی تیم‌های عربستانی و ایرانی در زمین میزبان برگزار شود؛ که عربستان نسبت به این تصمیم واکنش نشان داد و مقام‌های

فوتبال عربستان به تصمیم کنفدراسیون فوتبال آسیا واکنش منفی نشان دادند و بیان کردند که با تأکید بر اعتباری که تیم‌های این کشور به لیگ قهرمانان آسیا می‌بخشند، خواستند که مسابقات تیم‌های کشورشان با حریفان ایرانی همچنان در زمین بی‌طرف برگزار شود. همچنین برگزاری بازی‌ها در زمین بی‌طرف به کاهش تماشاگران و در نتیجه بی‌میلی حامیان مالی منجر می‌شود و زیان اقتصادی هنگفتی به فوتبال ایران و آسیا تحمیل کرده می‌کند (سایت ورزش سه).

ورزش جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب تحولات پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و اگرچه روندی رو به رشد را به‌ویژه در عرصه‌های بین‌المللی در حال تجربه بوده، اما از منظر دیپلماسی ورزش هنوز الگوی درخور ایران و انقلاب اسلامی را پیدا نکرده است. سیاست‌مداران عرصه روابط دیپلماتیک کشور ایران برخلاف سایر کشورها مانند برزیل، روسیه، چین و حتی کشور مجاور ترکیه همچنان "ادراک ورزشی" مناسبی از قدرت دیپلماتیک ورزشکاران، داوران، مربیان و به‌طور کلی موقعیت ورزش ایران ندارند و به‌رغم استفاده ابزاری و غیرمستقیم سایر کشورها از ورزش برای رساندن پیام خود به جامعه جهانی، این موضوع در دستگاه دیپلماتیک کشور ما مورد توجه لازم نیست. از یک‌سو نبود ارتباط میان دو بخش روابط بین‌الملل و ورزش و از سوی دیگر دید "حیات خلوت" به ورزش در بین تصمیم‌گیران حوزه دیپلماسی کشور زمینه از دست رفتن فرصت‌های کم‌هزینه و پرفایده دیپلماتیک ورزش را فراهم آورده است. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج محسنی فر و همکاران (۲۰۲۲) و شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۴) هم‌راستا می‌باشد.

به‌طور کلی، بر اساس عوامل به‌دست‌آمده در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که حل مسائل و مشکلات مرتبط با دیپلماسی ورزشی، نیازمند طی کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری دشوار و طولانی است که در دست گروه‌های ناهمگونی از ذینفعان قرار دارد. علاوه بر این، پیچیدگی‌های خاص سیاسی مربوط به حکومت - داری، مسائل جامعه‌شناختی و مدیریت باعث شده که ورزش و دیپلماسی نتوانند همگام با روندهای بین‌المللی همانند کشورهای دارای دیپلماسی ورزش به‌پیش روند. در این میان، وابستگی بیش‌ازحد ورزش به دولت و وجود مشکلات ساختاری، حل مسئله دیپلماسی ورزش را نیازمند همکاری بین قوا و نیز متولیان حوزه‌های مختلف اجرایی کشور ساخته است. در کل اثرگذاری ورزش خصوصاً برخی از رشته‌های بسیار

پرطرفدار مانند فوتبال از جنبه‌های مختلف چنان افزایش یافته است که رشته روابط بین‌الملل نمی‌تواند از آن غفلت نماید. برای درک جامع و بهتر سیاست بین‌الملل و روابط بین‌الملل، لازم است که رشته روابط بین‌الملل از لحاظ موضوعی، مفهومی و پژوهشی قلمروی مطالعه و چشم‌انداز خود را وسعت بخشد و صرفاً به همان مفاهیم و موضوعات مسلط همیشگی امنیت محور و دولت‌محور بسنده نکند. امروزه تئوریزه کردن ورزش در روابط بین‌الملل از جمله ضرورت‌های پیش روی محققین و اندیشمندان روابط بین‌الملل بوده و نظریه روابط بین‌الملل بایستی هم چون همیشه که خود را با توجه به تحول و تغییر در روابط و تعاملات اجتماعی و انسانی سازگار می‌سازد، امروزه امکان طرح مقوله ورزش در روابط بین‌الملل را افزایش دهد، چون ورزش می‌تواند جنگ بدون تیراندازی باشد، یا جایی بین اقتصاد و جنگ قرار گیرد و از همه مهم‌تر صحنه‌ای برای اعتلای تفاهم، دوستی و صلح بین ملت‌ها باشد.

همچنین دیپلماسی عمومی برای حل مشکل بین ایران و عربستان می‌تواند، راه‌حل عبور از بحران به وجود آمده در روابط دو کشور باشد و اولین راه‌حل گفت‌وگوی نخبگان و سیاستمداران دو کشور با یکدیگر می‌باشد. بعد هم بحث دیپلماسی عمومی به میان می‌آید که مشخصاً می‌شود به دیپلماسی ورزشی اشاره کرد؛ مثلاً برگزاری یک رویداد ورزشی دوستانه بین دو کشور ایران و عربستان. دیپلماسی ورزشی راهبرد خروج از انسداد سیاسی با عربستان می‌باشد. مشابه اتفاقی که در دهه ۷۰ میلادی بین چین و آمریکا افتاد و از آن با نام «دیپلماسی پینگ‌پنگ» یاد می‌شود. در آن سال‌ها روابط دیپلماتیک دو کشور قطع بود و برگزاری یک دوره مسابقات تنیس روی میز در چین و دعوت از تیم ملی آمریکا باعث شد تا زمینه برقراری روابط دو کشور چیده شود. در مجموع با توجه به عوامل شناسایی شده در مطالعه حاضر، به مسوئین امر پیشنهاد می‌شود که با مطالعه پژوهش حاضر و با تکیه بر نتایج پژوهش سایر محققین با توجه به اولویت‌های ارائه شده چالش‌های سیاسی مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی اقدام به رفع این چالش‌ها کرده که دیپلماسی ورزشی می‌تواند ظرفیت‌های لازم و بنیادی برای انتقال مفاهیم انقلاب اسلامی در روابط فرهنگی ورزشی کشورهای مسلمان داشته باشد تا در نهایت شاهد نزدیکی و اخوت کشورهای مسلمان باشیم.



## فهرست منابع

- احمدزاده، داود؛ برزگر، کیهان؛ احمدی، حمید و اطهری مریان، اسدالله (۱۳۹۸). «سناریوهای جمهوری اسلامی ایران در تقابل با ائتلاف‌سازی منطقه‌ای عربستان در میان کشورهای عربی (۲۰۱۱-۲۰۱۹)»، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۴۰، صص ۲۲-۱.
- امیری مقدم، رضا؛ امینی، سید جواد؛ نوروزی، محسن و فیاضی، داود (۱۳۹۸). «سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، امنیت ملی، ۲، صص ۴۹-۲۳.
- بخشی چناری، امین؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله و جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۸). «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۲۳، صص ۲۲-۱۵.
- جلال پور، شیوا و جعفری، ابوطالب (۱۳۹۷). «روابط خارجی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با تأکید بر تحولات سوریه»، علوم سیاسی، ۴۵، صص ۱۲۲-۹۵.
- جوادی پور، محمد و راسخ، نازنین (۱۳۹۸). «نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت ورزشی، ۲، صص ۲۳۴-۲۱۹.
- حشمت زاده، محمدباقر و اکرمیان، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴). «ارتباط سنجی ورزش و سیاست با بهره‌گیری از نظریه آنتونی گرامشی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۷(۱)، صص ۱۰-۳۵.
- خبیری، محمد و فتاحی زاده، ابوذر (۱۳۹۸). «دیپلماسی ورزشی: ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۴۳، صص ۱۴۳-۱۶۴.
- شاه رضایی، فاطمه و شیرزادی، رضا (۱۳۹۷). «ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۵(۳)، صص ۱۸۵-۲۲۰.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و گودرزی، محمود (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا»، دانش سیاسی، ۲۲، صص ۱۲۷-۹۵.
- شریعتی، محمدتقی و اکبری، رامین (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزشی ایالات متحده آمریکا»، مطالعات منطقه‌ای، ۵۶، صص ۱۱۲-۹۹.
- صادقی اول، هادی؛ نقدی عشرت‌آباد، جعفر و میر کوشش، امیر هوشنگ (۱۳۹۴). «تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی (۱۳۹۴-۱۳۸۴)»، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۲۵، صص ۱۶۰-۱۲۹.

- عالی شاهی، عبدالرضا؛ مسعود نیا، حسین و فروزان، یونس (۱۳۹۶). «بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷)»، مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۲۴، صص ۷۲-۴۹.
- عالی شاهی، عبدالرضا؛ مسعود نیا، حسین و فروزان، یونس (۱۳۹۸). «پان شیعیسم جریان صدر و ظهور واپس‌گرایی در جبهه مقاومت در عراق پسا داعش»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- عراقی، غلامرضا (۱۳۹۴). «نقش دیپلماسی فرهنگی در صدر انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۴، صص ۱۷۹-۱۵۷.
- علائی، حسین (۱۳۹۸). «بررسی رویکردهای سیاسی و رقابت جویانه ایران و عربستان و ساز کارهای مهار دشمنی‌ها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۴، صص ۱۹۱-۱۶۳.
- علوی وفا، سعید و عراقچی، سید عباس (۱۳۹۸). «تحلیل محیط راهبردی بحران یمن و شبیه‌سازی روندهای آتی با استفاده از تکنیک نقشه شناختی فازی»، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۷۶، صص ۱۸۵-۲۱۲.
- فرزاد فر، منا؛ یوسفی، بهرام و بهرامی، شهاب (۱۳۹۸). «شناسایی پیامدهای اجتماعی ملی و بین‌المللی موفقیت زنان ورزشکار مسلمان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی»، مدیریت و توسعه ورزش، ۳ (۱۹)، صص ۱۳۶-۱۸۱.
- فروزان، یونس و عالی شاهی، عبدالرضا (۱۳۹۸). «برساخت‌گرایی سیاسی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پسا بیداری اسلامی تا پسا برجام»، آفاق امنیت، ۴۳، صص ۱۶۵-۱۳۹.
- محمدی عزیزآبادی، مهدی (۱۳۹۶). «جایگاه ورزش در سیاست داخلی و بین‌المللی برای ایجاد صلح و دوستی»، فصلنامه سیاست، ۱۴، صص ۱۲۳-۱۱۳.
- محمدی عزیزآبادی، مهدی و بهشتی، سید صمد (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی سیاسی ورزش: تأثیر ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای بر زندگی سیاسی، سپهر سیاست، ۷ (۲۳)، صص ۱۴۲-۱۷۴.
- ملک‌زاده، محمد (۱۳۹۸). متغیرهای واگرا و همگرا در روابط ایران با جهان عرب چشم‌اندازی بر تمدن نوین اسلامی، سیاست و روابط بین‌الملل، ۳ (۶)، صص ۲۸۱-۳۰۳.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸). ورزش و سیاست، سیاست، ۳۹ (۲)، صص ۳۱۶-۳۰۱.
- نقدی، اسداله؛ بلالی، اسماعیل و ایمانی، پروین (۱۳۹۰). «موانع فرهنگی-اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی»، زن در توسعه و سیاست، ۱، صص ۱۶۳-۱۴۷.

- Adair, D., & Rowe, D. (2010). "Beyond boundaries?'Race', ethnicity and identity in sport". *International Review for the Sociology of Sport*, 45(3), 251-257.
- Anwar, M. J., Atlas, S., & Rana, J. (2021). "Women Participation in Muslim Countries in terms of Empowerment and Constraints: An Analytical Study".
- Bayat, A. (2007). "A Women's non-movement: what it means to be a woman activist in an Islamic state. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*", 27(1), 160-172.
- Benn, T., & Dagkas, S. (2013). "The Olympic Movement and Islamic culture: conflict or compromise for Muslim women? ". *International Journal of Sport Policy and Politics*, 5(2), 281-294.
- Benn, T., Pfister, G., & Jawad, H. (2010). "Introduction: Muslim women and sport. In *Muslim women and sport*" (pp. 19-28). Routledge.
- Cheng, J. E. (2019). "Religiosity, Integration and Sport: Muslim Women Playing Australian Rules Football". *Journal of Australian Studies*, 43(1), 55-70.
- Dagkas, S., & Benn, T. (2006). "Young Muslim women's experiences of Islam and physical education in Greece and Britain: a comparative study". *Sport, Education and Society*, 11(1), 21-38.
- Dagkas, S., Benn, T., & Jawad, H. (2011). "Multiple voices: Improving participation of Muslim girls in physical education and school sport". *Sport, Education and Society*, 16(2), 223-239.
- <https://www.irna.ir/news/4446945/>
- Jawad, H., Al-Sinani, Y., & Benn, T. (2011). "Islam, women and sport. *Muslim women and sport*", 25-40.
- Li, C., Zayed, K., Muazzam, A., Li, M., Cheng, J., & Chen, A. (2015). "Motives for exercise in undergraduate Muslim women and men in Oman and Pakistan compared to the United States. *Sex Roles*", 72(1-2), 68-84.
- Limoochi, S., & Le Clair, J. M. (2011). "Reflections on the participation of Muslim women in disability sport: hijab, Burkini®, modesty and changing strategies". *Sport in Society*, 14(9), 1300-1309.
- Mohsenifar, A., Dousti, M., Zare, F., & Géczi, G. (2022). *Study of Iran–Saudi Arabia Sports Relations. International Area Studies Review*, 22338659221120974.
- Nakamura, Y. (2002). "Beyond the hijab: Female Muslims and physical activity". *Women in Sport and Physical Activity Journal*, 11(2), 21-48.
- Nielsen, C&. Toft Madsen. M. (2009). "Discourses of transparency in the intellectual capiral reporting debate. Moving from generic reporting

- models to management defined infirmation Critical Perspectives on Accounting”, 847-854.
- Pfister, G. (2010). “Outsiders: Muslim women and Olympic games—barriers and opportunities”. *The international journal of the history of sport*, 27(16-18), 2925-2957.
- Robinson, T., Gustafson, B., & Popovich, M. (2008). “Perceptions of negative stereotypes of older people in magazine advertisements: Comparing the perceptions of older adults and college students”. *Ageing & Society*, 28(2), 233-251.
- Sperber, J. (2005). *The European Revolutions, 1848-1851* (Vol. 29). Cambridge University Press.
- Stolarik, M. M. (2010). *The Prague Spring and the Warsaw Pact invasion of Czechoslovakia, 1968: Forty years later*. Mundelein, Ill: Bolchazy-Carducci Publishers.